

# تحلیلی بر کرسی خط نستعلیق شیوه میر عماد

محمد مهدی قَطّاع

مقدمه

۴- با توجه به اینکه در گذشته، استادکارانی ماهر مرکب و کاغذ دست‌ساز مخصوص خوشنویسی را آماده می‌کرده‌اند، به مرور و با صنعتی شدن جامعه، ساخت این مصالح به تدریج منسوخ و امکان دسترسی به این ابزار مناسب، که نقشی کلیدی در خوشنویسی دارند، دشوارتر شد.

نگارنده، ضمن ادای احترام به همه استادان بزرگ این هنر جاودان، از همان آغاز کار هنری خود و به دلایلی که از حوصله این نوشته بیرون است، شیوه میر عماد را بهترین شیوه نستعلیق ارزیابی کرده و تلاش نموده که در حد توان خویش در راه اعتلای بیشتر آن گام بردارد. پس از آن و با توجه به دشواری آموزش این شیوه برای مبتدیان، تلاش نموده تا با زبانی ساده، بنیادی‌ترین شاخص‌های زیبایی آن را تدوین نماید.

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، یکی از مهمترین دلایل کنار رفتن شیوه میر عماد، نبودن روشی منسجم در تحصیل کلیات و ظرایف آن است. کمبود پیشینه تحقیق علمی و روش‌شناسی در فرهنگ و هنر ما و دست زدن به روشهای تکراری و ثابت و ادبیات غیر علمی در تعلیمات سبب شد تا این شیوه علمی‌رغم داشتن ظرفیتی بسیار غنی، همچنان مهجور بماند.

به نظر می‌رسد که شیوه میر عماد دارای چهار اصل کلی است که سه‌تای آنها اصول اولیه و غیر قابل تغییر و یکی نیز اصل ثانویه است که تغییرات تازه را می‌توان در گستره آن انجام داد.

از زمان پیدایش خط نستعلیق، که به دلیل اینکه رسم‌الخط منحصر به‌فرد فارسی‌کنونی است، بر تارک همه خطوط می‌درخشد، افراد زیادی برای رشد و اعتلای آن کوشیده‌اند و در این راه حتی از جان خویش دریغ نورزیده‌اند. در میان این افراد، میر عماد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و علاقه‌مندان این رشته هنری، بی‌شک یکی از درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان هنر این مرز و بوم و از پهلوانان عرصه خوشنویسی است، شیوه‌ای را پایه‌گذاری نمود که در نوع خود یکی از کاملترین شیوه‌هاست. ولی با گذشت زمان، این شیوه آرام آرام رو به انحطاط گذاشته و این سیر قهقرایی تا به امروز ادامه داشته است که اصلی‌ترین عوامل آن از این قرارند:

۱- دشوار بودن اجرای اصول این شیوه برای کسانی که در صددند تا با صرف وقت کمتر به مطلوب خویش برسند.

۲- پیدایش صنعت چاپ و لزوم کاربردی‌تر شدن هنر خوشنویسی، در دوره‌ای به‌خصوص.

۳- مفهوم نبودن ادبیات به کار رفته در نوشته‌های آموزشی قدیمی و همچنین مختصر بودن تنها جزوه آموزشی به‌جای مانده از واضع آن میر عماد و به‌روایتی باباشاه آن هم فقط در چند صفحه که سبب شد بجز برخی از شاگردان بلاواسطه ایشان، هیچ‌کس نتواند در اجرای این شیوه به استقلال برسد. معدودی نیز که از پیروان بعدی او بودند، فقط در تقلید جزء به جزء برخی از آثار هنریش به او نزدیک شدند که این نیز از نظر هنری ارزش زیادی ندارد.

## اصول اولیه

صافی: این کیفیت که با تمرین فراوان به دست می‌آید، سبب می‌شود که خط، کمترین لرزش را داشته باشد. در حقیقت، خطاط با صاف‌نویسی، قدرت خویش را نشان می‌دهد.

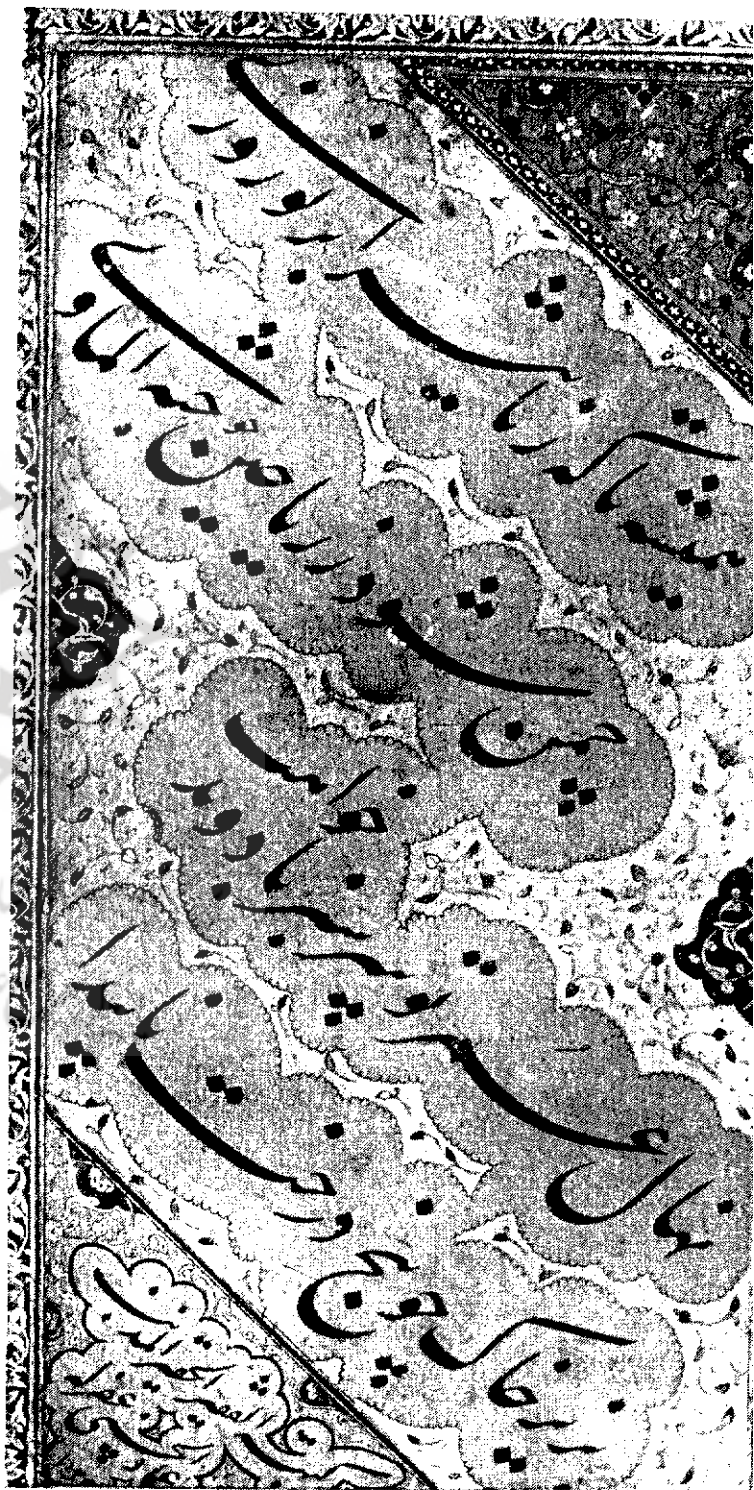
تدریج: کیفیتی است که بر اساس آن، بیننده در خط، شکستگی نمی‌بیند. بنابر این اصل، رسیدن از پهن‌ترین بخش به نازک‌ترین بخش هر حرف یا کلمه (مانند انتهای دوایر) باید به تدریج صورت گیرد.

اتصال: در هنگام نوشتن کلماتی که از چند حرف متصل به یکدیگر تشکیل شده‌اند و همچنین حروفی مانند (ص، ط، ه و...) که در آنها فضای بسته پدید می‌آید، اتصال حروف و کلمات باید حتماً حفظ شود.

## اصل ثانویه

تناسب: خوشنویس باید تناسب حروف، کلمات و سطرها را بر اساس سلیقه خود حفظ کند. این اصل، دست ما را برای انجام تغییراتی در نحوه نگارش خط نستعلیق باز می‌گذارد (مانند ضخامت گوشت قلم).

یکی از زیرمجموعه‌های تناسب در نستعلیق، کرسی خط است. معنای تحت‌اللفظی کرسی، مکان جای گرفتن است. تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، بسیاری، کرسی خط نستعلیق را یک خط راست افقی در نظر می‌گیرند که حروف و کلمات مختلف، بالای آن، روی آن و یا زیر آن قرار می‌گیرند. این تعریف از کرسی ممکن است که برای آموزش تک حرفها و کلمات منفرد به هنرجویان مبتدی (آن هم تا حدودی) پذیرفتنی باشد، ولی در مورد سطرنویسی و چلیپانویسی، موضوعیتی بنیادین ندارد. به اعتقاد نویسنده، کرسی نستعلیق، بویژه در شیوه میرعماد از قواعد



پیچیده‌تری پیروی می‌کند که رعایت دقیق آنها باعث می‌شود تا یک حرف، کلمه، سطر یا چلیپا زیباتر به نظر برسد. در این شیوه، کرسی هر حرف یا کلمه یک خط راست یک‌بعدی نیست، بلکه سطحی دو بعدی است که حروف یا کلمات در درون آن جای می‌گیرند.

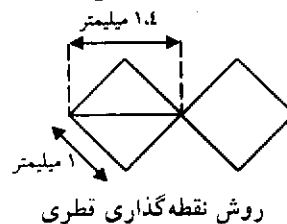
در این نوشته که گوشه‌ای از پژوهش نگارنده در مورد نقش کرسی در زیبایی‌شناسی شیوه میرعماد است، تلاش شده تا با زبانی همه‌فهم، روشن و در عین حال ساده، اصول کلی کرسی خط، بیان شود.

گفتنی است که تمامی دلایل و شواهد گفته شده، نظر شخصی نویسنده است و اگر چه پاره‌ای از آنها را از گفته‌های پراکنده دیگران گردآوری نموده، ولی بخش عمده آن را با پژوهش در برخی از آثار میرعماد به دست آورده و در اینجا به عنوان پیشنهادی نو برای آموزش ساده خط نستعلیق به شیوه میرعماد عرضه می‌شود. در پایان، با توجه به تازگی بحث و احتمال خطاهای اجتناب‌ناپذیر، از هرگونه پیشنهاد و انتقادی با کمال میل استقبال می‌کنم.

### نقطه گذاری

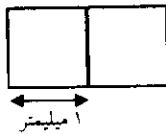
امروزه در بیشتر کلاسهای خوشنویسی، نقطه گذاری یکی از اصلی‌ترین پایه‌های آموزش است. در صورتی که به نظر می‌رسد این روش، یک روش مکمل است. در نقطه گذاری، کمتر به موضوع زاویه حروف و کلمات پرداخته می‌شود و اگر هم اشاره‌ای شود، بیشتر به صورت مبهم و به منظور به خاطر سپاری شکل حرف یا کلمه خواهد بود. در روش نقطه گذاری کنونی (نقطه گذاری قطری)، نقطه‌ها به صورت زیر قرار می‌گیرند:

طول ۲ نقطه =  $\frac{2}{8}$  میلی‌متر



روش نقطه گذاری قطری

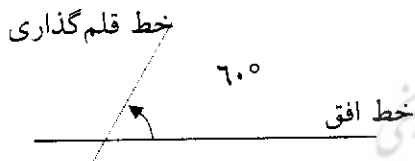
همان‌گونه که پیداست، در این روش، به جای آنکه اندازه‌ها بر اساس پهنای قلم باشند، بر اساس قطر مربعی هستند که با قلم پدید می‌آید. یعنی اگر قلمی به پهنای ۱ میلی‌متر داشته باشیم، در نقطه گذاری قطری، واحد اندازه‌گیری تقریباً برابر با  $\frac{1}{4}$  میلی‌متر خواهد بود، در صورتی که می‌توان به نوع دیگری از نقطه گذاری به نام نقطه گذاری ضلعی توجه کرد که در بیشتر موارد، ساده‌تر و کاراتر است. در نقطه گذاری ضلعی (شکل زیر) واحد اندازه‌گیری، همان پهنای سر قلم است. طول ۲ نقطه = ۲ میلی‌متر



روش نقطه گذاری ضلعی

### کرسی

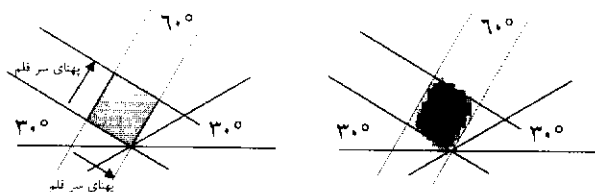
خط قلم‌گذاری: خطی که در امتداد سر قلم قرار دارد، خط قلم‌گذاری نامیده می‌شود. زاویه این خط با خط افق (زاویه قلم‌گذاری) در این شیوه، برابر با ۶۰ درجه است.



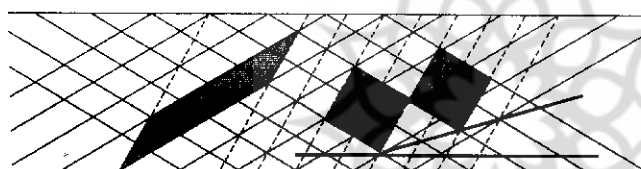
خط کرسی اصلی: خطی است که حروف در امتداد آن و از راست به چپ یا به عکس، حرکت می‌کنند. در این شیوه، زاویه این خط با خط افق، برابر با ۳۰ درجه است. این زاویه در هنگام نوشتن کشیده‌ها، دوایر و همچنین کرسی‌بندی کلمات و نقاط در امتداد یکدیگر، کاربردی اساسی دارد.



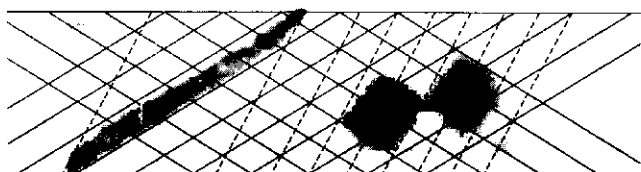
نقطه: شکلی است که از حرکت قلم با زاویه قلم‌گذاری و در امتداد خط کرسی قرینه و به طول پهنای قلم، پدید می‌آید. (فراموش نکنیم که در حالت عملی و بسته به شرایط، اندازه آن به دلخواه خوشنویس تغییر می‌کند).



اگر نقطه را به چهار قسمت مساوی تقسیم کنیم، با تکرار خطوط کرسی اصلی، کرسی قرینه و همچنین خط قلم‌گذاری، در حقیقت خطوط پایه کرسی نستعلیق را خواهیم یافت.

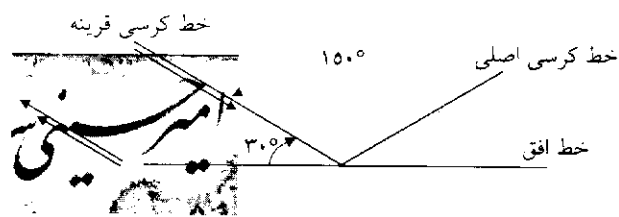


در شکل بالا و بر اساس کرسی به دست آمده، روشن است که امتداد شکل «دو نقطه» روی یک خط راست افقی نیست و کمی شیب دارد. همچنین، فضای محصور در میان دو خط کرسی اصلی مجاور، از نظر زاویه و پهنای، یک سرکش را مشخص می‌کند. در شکل بعدی، اجرای اصلی حرکت توسط میرعماد آمده است.

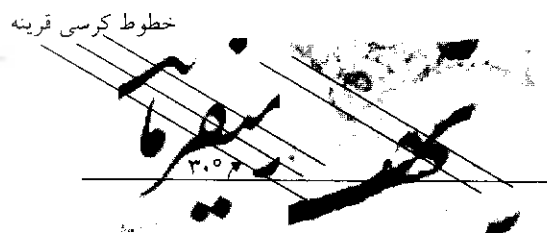


در شکل بعدی، کرسی تعدادی از تک‌حرف‌های نستعلیق به اجرای میرعماد، همراه با نقطه‌گذاری قطری و ضلعی برخی از آنها، آمده است.

خط کرسی قرینه: خطی است که زاویه آن با خط افق برابر با  $180 - 30 = 150$  درجه است. این زاویه در هنگام نوشتن حروفی که سمت حرکت (مانند «ح») یا امتداد حرکت آنها (مانند «ه» و «ف») از چپ به راست یا سمت و امتداد حرکت آنها از راست به چپ (مانند دندانه «ینی» در مثال زیر) باشد، کاربرد دارد.



سمت حرکت در راستای خط کرسی قرینه

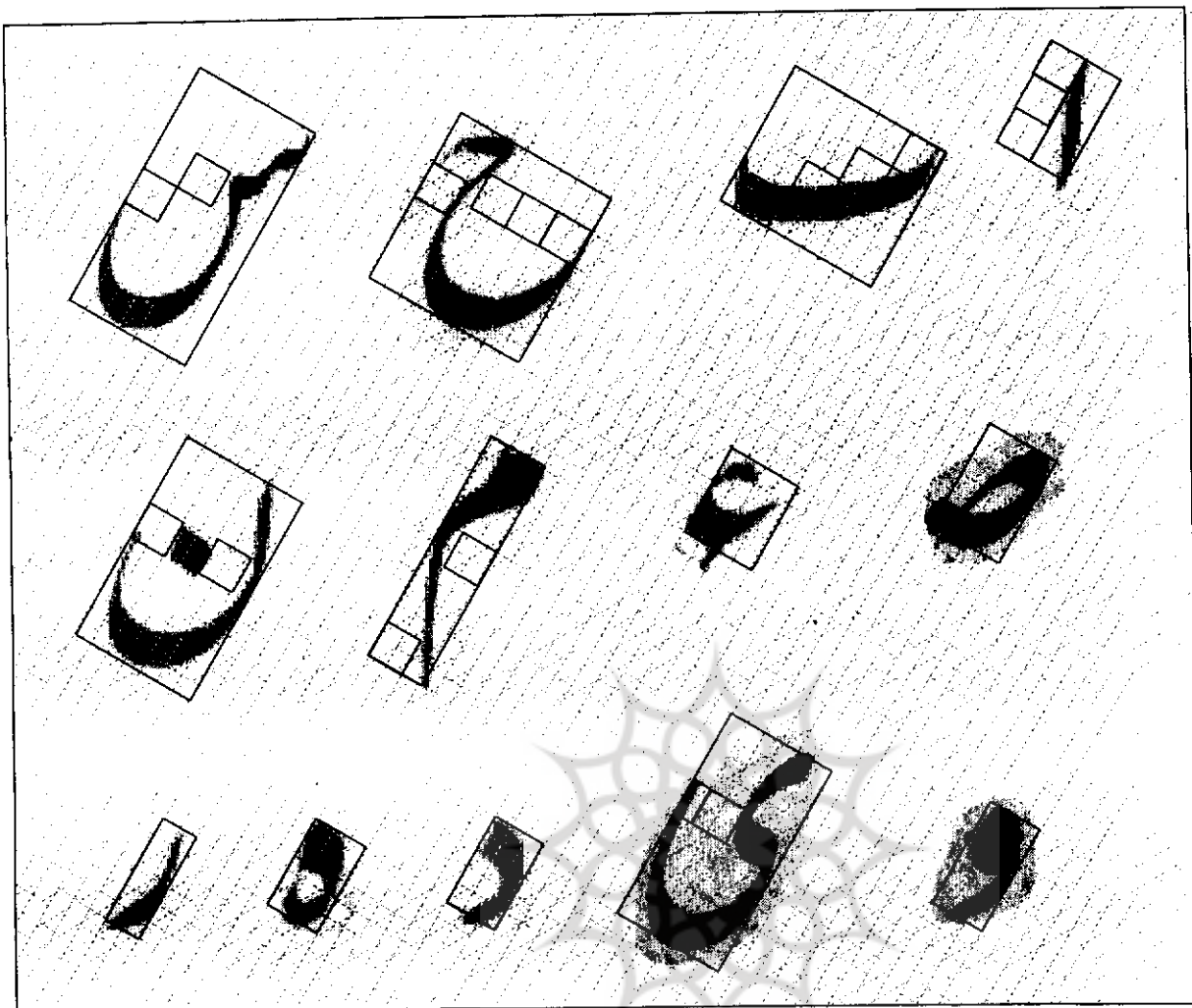


امتداد حرکت در راستای خط کرسی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، کرسی هر حرف یا کلمه، یک سطح دو بُعدی است یعنی طول و عرض دارد. اکنون بجاست آنرا تعریف کنیم.

کرسی: کوچکترین مستطیلی که کلمات و حروف را در بر می‌گیرد و با زاویه قلم‌گذاری برابر است.

شاید بتوان گفت که نقطه، سنگ بنای کرسی خط، در هر شیوه و سبکی است. در حقیقت با یک تعریف روشن از نقطه، می‌توان روشی ساده برای اجرای حرکات و شکل‌های پیچیده‌تر نستعلیق یافت. پس این تعریف باید به‌سادگی و روشنی بیان شود.



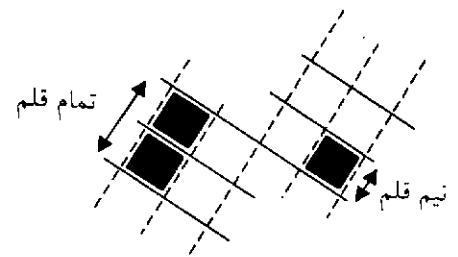
با دقت در شکل زیر، دیده می‌شود که زاویه نزول، یا با زاویه خط کرسی اصلی، (در ابتدای حرف «ب» در کلمه «بر») و یا با زاویه قلم‌گذاری (پس از اجرای دندانۀ دوم حرف «س» در کلمه «سر»)، دقیقاً برابر است. همچنین

تقریباً همه حروف و کلمات نستعلیق، به راحتی در قالب بالا جای می‌گیرند. پس از پرداختن به کرسی برخی از تک‌حرف‌ها، در شکل بعدی، زوایای برخی از دو حرفی‌ها را بررسی می‌کنیم:



زاویه صعود در دندانۀ دوم و سوم «س» در کلمۀ «سر» و در حرف «ه» در کلمۀ «که»، با زاویه خط کرسی قرینه برابر است.

نکتۀ جالب توجه دیگر در تحلیل حروف و کلمات با این شبکه، آن است که به کمک آن می‌توان درستی یا نادرستی اجرا در مورد قوت و ضعف حروف و کلمات را دریافت. همان‌گونه که اشاره شد، در شبکه بالا، مجموع طول اضلاع ۲ مربع روی هم با ضخامت سر قلم (تمام قلم) برابر است. حال روشن است که هر مربع، پهنای نیم قلم را مشخص می‌کند.



با این رهیافت، می‌توان به دقت اجرای میرعماد در کلمۀ «سر» پی برد. زیرا در اتصال دندانۀ اول «س» به دندانۀ دوم آن، حرکت قلم در مسیر خود دقیقاً یک مربع (نیم قلم) را پر می‌کند. همچنین در هنگام اجرای کلمۀ «لی»، در قسمت سینۀ «ی» یا در ضخیم‌ترین قسمت از دایرۀ «ی»، حرکت قلم دقیقاً به اندازه دو مربع (تمام قلم) پهنای دارد.

به اعتقاد نگارنده، برای آموزش خوشنویسی در این شیوه بهتر است که ابتدا کاغذهای مشبکی با اندازه شبکه‌های گوناگون

(بسته به دانگ قلم) آماده شود، سپس هنرجو برای اجرای هر حرف یا کلمه، قلم را در زاویه قلم‌گذاری قرار داده و حرکت را انجام دهد. همچنین در حین اجرا، دقت داشته باشد که پهنی و نازکی حروف در حال اجرا را براساس شبکه مورد نظر رعایت کند. این کار هر چند در آغاز هنرجو را دچار تکلف می‌کند، ولی در ادامه و با تمرین بیشتر، او را به سرعت به نتیجه خواهد رساند.

پس از آنکه هنرجو احساس کرد که از نظر دقت اجرای کلمات، در سطح قابل قبولی قرار گرفته و دست او به زاویه‌های قلم‌گذاری و کرسی عادت کرده است، دیگر نیازی به این شبکه نخواهد داشت.

توجه خوانندۀ گرامی را به اجرای کلماتی که بیش از دو حرف دارند جلب کرده و نتیجه‌گیری را به خود وی واگذار می‌کنم.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در این مقاله، با توجه به گستردگی بحث و وجود نکات فراوان دیگر، فقط به ذکر کلیات اکتفا کرده‌ام. ان شاء الله تلاش خواهیم کرد که دنباله مطالب در نوشته‌های دیگر و به تفصیل، در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد. در ضمن از مساعدت استاد شمس‌الدین ابوالوفاحسینی، مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان که سخاوتمندانه آثار خطی مجموعه شخصی خود را در اختیارم قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

